

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ سارا عابد-

برگردان از: حمید محوی

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۷

فصل سوم- ۲

کردها، سلاح بی ثبات سازی جمعی و اشنگتن در خاور میانه



مفسر سیاسی و روزنامه نگار مستقل

نقض حقوق بشر

با آگاهی به این جنایات، بسادگی پی می بریم که چرا کردها غالباً به تحریف تاریخ مبادرت می ورزند و تاریخ عرب، آشوری یا ارمنی را به نفع خود تعبیر می کنند، و وقتی از این کار باز می مانند سعی می کنند هر گونه نشانه و اثری از گذشته را از بین ببرند، در این زمینه مثل داعش عمل می کنند.

هر بار که کردها در حملاتشان علیه ترکیه نا امید شده اند، به سوریه مهاجرت کرده اند و سپس مدعی شده اند که این سرزمینها به آنان تعلق دارد. برای مثال، در شهر عین العرب به همین شیوه دست زدند و آن را «کوبانی» نامیدند. این کلمه از نام یک «کمپانی» منشأ می گیرد و نام یک کمپانی راه آهن آلمانی ست که ساخت خط راه آهن قونیّه/بغداد را به عهده داشت. کردها شهر سوری قامیشلی را «قامشلو» «Qamişlo» نامیدند و آن را پایتخت خود اعلان کردند (۹).

بد نیست بدانیم که کردها حتا در سرزمینهایی که در شمال سوریه مدعی آن هستند اکثریت را تشکیل نمی دهند. برای مثال، در استان حسکه ۳۰٪ تا ۴۰٪ جمعیت را تشکیل می دهند. این ارقام از آغاز جنگ علیه سوریه دائماً رو به کاهش داشته، زیرا بسیاری از کردها به کشورهای اروپایی مهاجرت کرده اند. اغلب آنان به آلمان مهاجرت کرده اند، و تقریباً جمعیتی معادل ۱۲۰۰۰۰۰ نفر را تشکیل می دهند که اندکی کمتر از شمار آنان در سوریه است. با وجود این، به نظر نمی رسد که آنجا در پی کسب خود مختاری باشند، بلند پروازی آنان فقط به کشورهای میزبانانشان در خاورمیانه محدود می شود، یعنی به جای سپاسگذاری از این کشورها در پاسخ به مهمان نوازشان می خواهند از پشت به آنها خنجر بزنند.

برای بسیاری از دعاوی عفو بین الملل در نبود بیانیه های دیگری که آنها را تأیید کند نمی توانیم اعتبار قائل باشیم (۱۰). با وجود این، در برخی موارد حقیقت دارد، برای مثال وقتی پرونده مربوط به سال ۲۰۱۵ را بیرون می کشند که واحد مدافع خلق YPG را متهم به نقض یک سری نقض حقوق بشر دانسته اند (۱۱).

یک سازمان غیر دولتی نوشته است «این اتهامات به ویژه مربوط است به انتقال ساکنان با اعمال زور، تخریب خانه ها، و به همین گونه سرقت و تخریب اموال»، «در برخی موارد دهکده ها کاملاً تخریب شده است. این دهکده ها به عرب ها یا ترکمن هائی تعلق داشته که ساکن آنجا بوده و با دولت اسلامی و یا دیگر گروه های مسلح مستقل همکاری کرده اند. تخریب خانه هایشان به بهانه همکاریهایشان صورت گرفته.» عفو بین الملل به نقل از لاما فقیه مشاور با تجربه برنامه مدیریت بحران در عفو بین الملل، اعلام کرده است که از کودک-سرباز استفاده کرده اند.

گُردها می گویند که «کردستان» آنان چند فرهنگی با مذاهب متعدد است، در حالی این گونه دعاوی دروغپردازی محض است به این علت که دیگران مردمانی هستند که پس از این که زمینهایشان را به زور تصاحب کردند در فاصله از جامعه کُرد زندگی می کنند. این افراد احتمالاً می توانند خیلی بهتر درباره تحولات کشورشان و تبدیل آن به «کردستان» مستقل حرف بزنند، ولی به دلیل انتقال مردمان منطقه در اقلیت هستند.

چرا کُردها فاقد دولت هستند ؟

بخش خاور میانه در توافق نامه سایکس-پیکو که رسماً «توافق نامه آسیای صغیر» نامیده شده، به توافقات سرّی مربوط می شود که در سال ۱۹۱۶ توسط بریتانیا و فرانسه با توافق امپراتوری روسیه به امضاء رسید (۱۲). توافق نامه مرزهای کشورهای مانند سوریه، عراق و اردن را تعیین و تثبیت کرد، گُردها تأثیر چندانی نداشتند. غایت اصلی این توافقات برای امپراتوری های استعماری فرانسه و بریتانیا حفظ نفوذ و برتری آنان بود. گُردها نتیجه گرفته بودند که سرزمینی به آنان واگذار خواهد شد، ولی در آخرین دقایق حذف شدند.

تاریخ کُرد در قرن بیستم متأثر از پیدایش فزاینده احساس ملی کُرد برای ایجاد دولت مستقل مطابق بر معاهده سور (traité de Sèvres) در سال ۱۹۲۰ است. کشورهای مانند ارمنستان، عراق، و سوریه در وضعیتی بودند که به استقلال دست یافتند، ولی ایجاد «کردستان» با منافع دولت جدید ترکیه که به دست مصطفی کمال آتاتورک بنیانگذاری شده بود تطبیق نمی کرد. در نتیجه کردستان هرگز وجود نداشته است.

در ۲۸ مارچ ۱۹۹۱، پس از بمباران توسط ارتش عراق برای خارج کردن منطقه از دست شورشیان کُرد، کُردها



کرکوک را به مقصد اربیل ترک کردند.

در یگانه مناطقی که در خاور میانه کُردها موفق شدند چیزی شبیه خود مختاری به دست آورند به نام دولت اقلیم کردستان در عراق بود که حفاظت از اقلیتها مبتنی بر قانون جدید را تضمین می کند- و اسرائیل (۱۳).

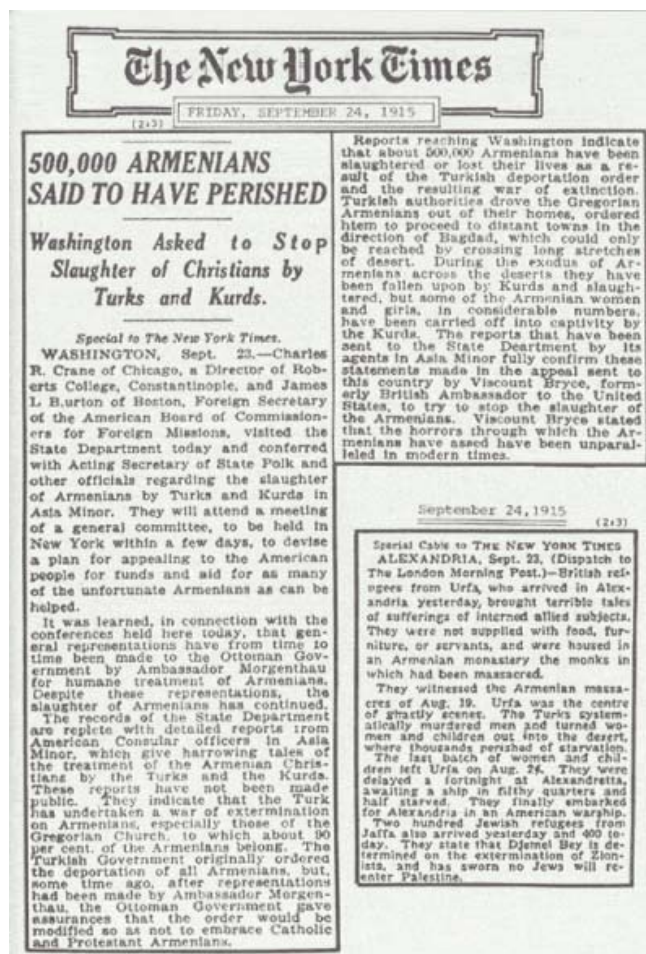
فقدان تناسب بین مناطقی که کُردها در آنجا مستقر شده اند و مرزهای سیاسی و دولتهای منطقه جملگی عواملی را تشکیل می دهد که مانع توافق

و حل مسئله کُرد شده است. با وجود این، معاهده سور به اجراء گذاشته نشد و معاهده لوزان Lausanne را جایگزین

کردند. مرز کنونی بین عراق و ترکیه در سال ۱۹۲۶ تعیین و تثبیت شد. گرچه مبنی بر ماده ۶۳ معاهده سور حفاظت از اقلیتهای آشوری و کلدانی به روشنی تضمین شده است، ولی این موضوع در معاهده لوزان حذف شد. لازم به یادآوری است که کردهای عراقی در سرزمینی مستقر شدند که دارای منابع سرشار از نفت است (۱۴). استان حسکه در سوریه که کردها به شکل ناموجه و خود سرانه آنجا را پایتخت خودشان اعلان کردند: قامیشلی سرشار ترین منابع نفتی سوریه را تشکیل می دهد. در نتیجه جای شگفتی نیست که می بینیم ایالات متحده این همه روی کردها سرمایه گذاری می کند.

رفتار خشونتبار و غیر اخلاقی علیه اقلیتها به ویژه علیه مسیحیان

به گزارش روزنامه کُرد انترنتی «رووداو» در مقاله ای که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، «احمد تُرک» سیاستمدار کُرد ترکیه اظهار داشت که کردها به سهم خود در «کشتار جمعی ارمنی ها» مسؤول بوده اند و از جامعه ارمنی درخواست بخشایش کرد و گفت: «از والدین و پدر بزرگهای ما علیه آشوریه و یزدانی ها و به همین گونه علیه ارمنی ها سوء استفاده کردند. نیاکان ما این مردم را مورد آزار قرار دادند و دستهایشان به خون آغشته است. در جایگاه وارث این رویدادهای تاریخی، ما درخواست بخشایش می کنیم» (۱۵). کُردها طی قرنهای گذشته های اقلیت را مورد انزیت و آزار قرار داده و علیه آنان دائماً به کشتار جمعی دست ورزیده اند. محاسبه این جنایات بین ۱۲۶۱ و ۱۹۹۹ در «کشتار جمعی علیه ملت آشوری» به ثبت رسیده است. در سال ۱۲۶۱ میلادی طی آن رویدادی که «ظهور کُردها» نامیده شده، هزاران آشوری از دهکده های دشت نینوا، بغداد، برطله (قاراکوش)، بدنا، بشیرا و کرملیس برای اجتناب از مهاجرت عظیم کُردها به سوی شهر اربیل فرار کردند. شاه صالح اسماعیل به خیلی از کُردها دستور داده بود که از کوهستانهای ترکیه به دشت نینوا بروند. دهکده های آشوری در این دشتهای غارت شد و هزاران آشوری در گریز به اربیل از دم تیغ کُردهای تازه از راه رسیده گذشتند و به مقصد نرسیدند. یک صومعه در بغداد تخریب شد و راهبه هایی که در آنجا زندگی می کردند به قتل رسیدند. مقاله ای که در سال ۱۹۱۵ در نیویورک تایمز منتشر شده می گوید که مسیحیان به شکل جمعی توسط تُرکها و کُردها به قتل رسیده اند.



قبایل کرد در ترکیه، سوریه و ایران طی جنگ جهانی دائماً با حملات شبه نظامی به همسایگان حمله کرده اند. کردها با وفاداری به سنت قدیمی شان که عبارت است از قانونیت بخشیدن به غارت دهکده های مسیحی، مسؤول بسیاری از جنایات علیه آشوری های مسیحی هستند. در سال ۱۹۱۸ یکی از رؤسای قبیله ترک آسقف کلیسای آست را طی دعوت به صحبت پای میز مذاکره به قتل رساند که سرانجام به کشتار جمعی مسیحیان انجامید.

تبنای کردها در کشتار جمعی ارمنه

کشتار جمعی ارمنه طی جنگ جهانی اول روی داد و در دو مرحله به اجراء گذاشته شد: حذف مردان سالم یعنی کشتار آنان و یا تحمیل بیگاری به مشمولین خدمت سربازی، سپس انتقال زنان و کودکان، سالخوردگان و معلولین به راهپیمائی اجباری در بیابانهای سوریه (۱۶). راهپیمایان توسط نیروهای نظامی همراهی می شدند و محروم از خوراک و آب دائماً مورد تجاوز قرار می گرفتند و یا به قتل می رسیدند.

بومیان دیگر و گروه های اقوام مسیحی، مثل آشوری ها و یونانیان پنتوسی طعمه کشتار جمعی به دست دولت عثمانی بودند و تاریخ شناسان شیوه به کار بسته شده در نسل کشی را مشابه نسل کشی ارمنی ها شناسائی کرده اند. پس از وقوع نسل کشی، جامعه ارمنی به اطراف و اکناف جهان مهاجرت کردند. در استانهای غربی، ارمنی ها متحمل بوالهوسی های همسایگان ترک و کرد شدند که مالیاتهای سنگینی را به آنان تحمیل می کردند، زور گیری مسلحانه و

گروگان گیری نیز علیه مسیحیان رواج داشت تا آنان را به دین اسلام بگروانند و از سوی دیگر، بهره برداری خارج از اقتدار مرکزی یا محلی نیز بیداد می کرد.

زیر فشار رهبران عثمانی، رؤسای قبایل کُرد استانهای جنوبی را با ارتکاب به تجاوز، قتل و غارت در هم نوردیدند. و این اعمال را در سرزمینهای مرتکب شدند که تا پیش از این طی قرون متمادی در کنار ارمنی ها و دیگر اقوامی که مسلمان نبودند با همه پستی و بلندی های زندگی به سر برده بودند. هنری مورگانتو Henry Morgenthau (۱۷) در مقام سفیر ایالات متحده آمریکا که هنگام وقوع رویدادها در کنستانتینوپول حضور داشته در کتاب «تاریخ سفیر مورگانتو» در خاطرات دهشتناکش به سال ۱۹۱۸ از تبنانی کُردها به تفصیل یاد کرده است :

«کُردها از کوههایشان به پائین سرازیر می شدند. به دختران جوان حمله می کردند، چادرهایشان را بر می گرفتند و زیباترینها را به کوه و تپه می بردند. کودکان را گروگان می گرفتند و سر راهشان با بی رحمی تمام هر کسی را می توانستند سر کیسه کنند. با ارتکاب به چنین بزهکاریهایی، کُردها به رایگان دست به قتل می زدند، و فریاد زنان و سالخوردهگان وحشت عمومی را دامنه دارتر می کرد (۱۸).

ادامه دارد